

Mystical Explanation of Near-Death Experiences with Reference to Imam Khomeini's Views

Abstract: Near-Death Experience (NDE) refers to the personal experiences of individuals who have been on the brink of death and have encountered phenomena such as out-of-body experiences, passage through darkness toward light, extrasensory perceptions, encounters with luminous guides, and other extraordinary occurrences. This phenomenon has been extensively studied in the fields of medicine, psychology, and parapsychology. However, its analysis from the perspective of Islamic mysticism has received comparatively less attention. In Islamic mysticism, humans are introduced as beings with transcendent dimensions, continuing their existence beyond the physical body and capable of undergoing experiences akin to NDEs, such as voluntary death, out-of-body experiences, and spiritual unveiling. Imam Khomeini's views also affirm these concepts. He regards humans as extraordinary beings with inner dimensions that possess complex capabilities, which become manifest when separated from the material world. This research explores and provides a mystical analysis of near-death experiences as a reflection of human's non-material and spiritual capabilities.

Keywords :Imam Khomeini, Islamic mysticism, near-death experiences, out-of-body experiences, luminous guide.

تبیین عرفانی «تجربه‌های نزدیک به مرگ» با نگاهی به آرای امام خمینی

سما معصومی زاده، محمد رودگر، حسن مهدی پور

دانشجوی دکتری عرفان اسلامی و اندیشه امام خمینی، پژوهشکده امام خمینی (س) و انقلاب اسلامی، تهران، ایران.

استادیار گروه عرفان اسلامی و اندیشه امام خمینی، پژوهشکده امام خمینی (س) و انقلاب اسلامی، تهران، ایران.

استادیار گروه عرفان اسلامی و اندیشه امام خمینی، پژوهشکده امام خمینی (س) و انقلاب اسلامی، تهران، ایران.

چکیده: تجربه نزدیک به مرگ به تجربیات شخصی افرادی اشاره دارد که در آستانه مرگ قرار گرفته و با وقایعی مانند خروج از بدن، گذر از تاریکی به سوی نور، ادراکات فراحسی، مواجهه با راهنمای نورانی و... روبرو شده‌اند. این پدیده در حوزه‌های پزشکی، روان‌شناسی و فراروان‌شناسی به‌طور گسترده مورد مطالعه قرار گرفته است. با این حال، تحلیل آن از منظر عرفان اسلامی، کمتر مورد توجه قرار گرفته است. در عرفان اسلامی، انسان به عنوان موجودی با ابعاد متعالی معرفی می‌شود که فراتر از بدن مادی، به حیات خود ادامه داده و قادر است به تجاربی مشابه با تجربه نزدیک به مرگ همچون مرگ اختیاری، خلع بدن و کشف و شهود دست یابد. آرای امام خمینی نیز این مفاهیم را تأیید می‌کند؛ او انسان را اعجوبه دهر و دارای ابعاد باطنی با قابلیت‌های پیچیده‌ای می‌داند که با جدایی از عالم طبیعت آشکار می‌گردد. این پژوهش به بررسی و تحلیل عرفانی تجربه‌های نزدیک به مرگ به عنوان جلوه‌ای از قابلیت‌های فرامادی و روحانی انسان پرداخته است.

کلید واژه ها: امام خمینی، عرفان اسلامی، تجربه نزدیک به مرگ، خلع بدن، راهنمای نورانی.

تجربه نزدیک به مرگ^۱ به پدیده‌ای اشاره دارد که افراد در شرایط بحرانی میان مرگ و زندگی احساس می‌کنند، از بدن خود جدا شده و با واقعیت‌هایی فراتر از ادراک مادی و معمول مواجه می‌شوند. این تجربه‌ها معمولاً تحولی عمیق و پایدار در نگرش و سبک زندگی تجربه‌گران ایجاد می‌کنند، به گونه‌ای که بسیاری از آن‌ها پس از بازگشت، برداشت جدیدی از مرگ، حیات و معنای هستی پیدا می‌کنند. نخستین بار در سال ۱۹۷۵، روان‌پزشکی به نام ریموند مودی در کتاب مشهور خود «زندگی پس از زندگی»^۲ به صورت جدی و سیستماتیک به بررسی این پدیده پرداخت. او با گردآوری گزارش‌های افراد در آستانه مرگ، اصطلاح «تجربه نزدیک به مرگ» یا «NDE» را معرفی کرد. غیر از او، پژوهشگران برجسته‌ای همچون الیزابت کوبلر راس، بروس گریسون، جفری لانگ، ملوین مورس و دیگران، در حوزه‌های پزشکی، روان‌شناسی و فراروان‌شناسی به مطالعه این پدیده پرداختند. بروس گریسون با معرفی «مقیاس گریسون»^۳ به تحلیل دقیق و طبقه‌بندی جنبه‌های مختلف NDE اقدام کرد، همچنین ملوین مورس پژوهش‌های خود را بر تجربه‌های نزدیک به مرگ در کودکان متمرکز کرد و تأثیرات عمیق این تجربه‌ها را بر زندگی فردی و تغییر نگرش افراد نسبت به مرگ را برجسته ساخت. از سوی دیگر، در سال ۱۹۹۸ جفری لانگ بنیاد تحقیقات تجربه نزدیک به مرگ^۴ (NDERF) را تأسیس کرد که نقش مهمی در جمع‌آوری و تحلیل علمی این تجربه‌ها ایفا کرده است. تلاش‌های این پژوهشگران سبب شد که تجربه نزدیک به مرگ بیش از پیش مورد توجه جوامع علمی و دانشگاهی قرار گیرد. در سال ۲۰۱۱، پژوهشی نشان داد که طی یک قرن گذشته، ۸۹۲ مقاله علمی درباره تجربه نزدیک به مرگ توسط ۶۲۹ نویسنده در رشته‌های مختلف منتشر شده است (Loseu et al., 2013, p. 200). با این حال، در میان مطالعات صورت گرفته، یکی از حوزه‌هایی که کمتر مورد بررسی قرار گرفته، ارتباط دین و NDE، به ویژه در بستر دین

¹ Near-Death Experience

² Life After Life

³ Greyson Scale

⁴ Near Death Experience Research Foundation

اسلام است. در این مقاله تلاش می‌شود با بهره‌گیری از آموزه‌های عارفان و بررسی دیدگاه امام خمینی درباره ماهیت وجودی انسان، تجربه‌های نزدیک به مرگ از منظر اسلامی نیز مورد بررسی قرار گیرد.

۱. پیشینه تحقیق

از جمله پژوهش‌های الهیاتی انجام‌شده در ایران، وکیلی و اقبالی (۱۳۸۶) در مقاله‌ای با عنوان تجربه‌های عرفانی مرگ از منظر مطالعات NDE، به بررسی شباهت‌ها و تفاوت‌های میان وی‌ژگی‌های لحظات احتضار از دیدگاه عارفان و تجربه‌های نزدیک به مرگ پرداخته‌اند. همچنین، اعتمادی‌نیا (۱۳۹۰) در پایان‌نامه‌ای در حوزه فلسفه و کلام، به تحلیل امکان اثبات آگاهی مستقل از بدن فیزیکی و تداوم حیات پس از مرگ پرداخته و می‌زان توان تفسیری ادیان سامی (یهودیت، مسیحیت و اسلام) را در مواجهه با این پدیده بررسی کرده است. در پژوهشی دیگر، اکوچکی‌ان و همکاران (۱۳۹۲) تجربه‌های نزدیک به مرگ را به عنوان یکی از شواهد تجربی در اثبات حیات پس از مرگ مورد مطالعه قرار داده‌اند.

در غرب نیز، علاوه بر روان‌شناسان و پزشکان، افراد محدودی به مقایسه این پدیده با تجارب دینی پرداخته‌اند. یکی الهیات‌شناس پروتستانی به نام جودیت کرسی (۱۹۹۴)، در کتاب «تجربه نزدیک به مرگ: عرفان یا جنون»، تجربه‌های نزدیک به مرگ را با تجارب عارفان مسیحی مانند سنت ترزا و سنت یوهان صلیبی مقایسه کرده است. او نتیجه می‌گیرد که این تجربه‌ها اشتراکات بسیاری با روشنی‌ها و سفرهای برون‌کالبدی دارند. در مقاله «دین و تجربه نزدیک به مرگ در اعتقاد به زندگی پس از مرگ» نوشته پل بدهام (۱۹۹۷) با بررسی این پدیده و تجربه‌های مذهبی در مسیحیت و بودیسم، نتیجه‌گیری شده است که این تجربه‌ها، ضمن تأیید باور به زندگی پس از مرگ، دارای وی‌ژگی‌های عمیق‌ترین تجربیات مذهبی شناخته‌شده برای بشریت هستند.^۱ این بررسی‌ها نشان می‌دهد این پدیده در حوزه مطالعات

^۱ برای مطالعه بیشتر رجوع شود:

- وکیلی، هادی، اقبالی، آزاده. (۱۳۸۶). تجربه‌های عرفانی مرگ از منظر مطالعات NDE، قیاسات، دوره ۱۲، شماره ۶۶
- اعتمادی‌نیا، مجتبی. (۱۳۹۱). پایان‌نامه کارشناسی ارشد با عنوان «تفسیر دینی تجربه‌های نزدیک به مرگ» قم: دانشکده ادیان دانشگاه ادیان و مذاهب

عرفان اسلامی کمتر مورد بحث و بررسی واقع شده است. در حالی که عرفان اسلامی می تواند چارچوبی مناسب برای درک و تبیین این نوع تجربه‌ها را فراهم کند.

۲. «تجربه نزدیک به مرگ»

تعریف مشخص و یکسانی برای «تجربه نزدیک به مرگ» میان پژوهشگران وجود ندارد؛ اما آنچه مسلم است، این پدیده معمولاً زمانی رخ می‌دهد که فرد در آستانه مرگ یا در شرایطی مانند مرگ بالینی قرار دارد (لانگ و پری، ۱۳۹۸، ص. ۱۲). ریموند مودی در فصل دوم کتاب «زندگی پس از زندگی» با ترکیبی از تجربیات افراد، تصویری مقدماتی از این پدیده ارائه می‌دهد. او توضیح می‌دهد که فردی در حال مرگ است، در لحظه‌ای که به اوج ناتوانی جسمانی می‌رسد، صدای اعلام مرگ خود را از زبان پزشک می‌شنود و سپس از تونلی تاریک عبور کرده و خود را خارج از بدن می‌بیند. فرد احساس می‌کند که جسمی با ماهیتی متفاوت دارد و با ارواح خویشاوندان و دوستانی که فوت کرده‌اند، مواجه می‌شود. در این میان، موجودی نورانی و بسیار مهربان در برابر او ظاهر می‌گردد و بدون نیاز به کلام، از او می‌خواهد که زندگی‌اش را مرور کند. در نهایت، فرد به مرزی می‌رسد که باید به زندگی بازگردد، هرچند این بازگشت با مقاومت و تمایل به ماندن در آن وضعیت همراه است، اما سرانجام به بدن فیزیکی‌اش بازمی‌گردد (Fox, 2003, P. 16-17).

این توصیف تنها یک تصویر کلی است و همه تجربه‌گران لزوماً تمامی این عناصر را تجربه نمی‌کنند. برخی ممکن است تنها بخشی از این ویژگی‌ها را احساس کنند یا حتی بیشتر از این موارد را مشاهده نمایند (تالبوت، ۱۳۹۹، ص. ۳۳۴). مودی ویژگی‌های مشترک این تجربه‌ها را استخراج کرده و الگویی ارائه داد که دیگر پژوهشگران نیز آن را بررسی و گسترش دادند. یکی از این الگوها، که توسط بنیاد تحقیقات تجربه نزدیک به مرگ ارائه شد، شامل مواردی همچون خروج از بدن، احساسات متعالی، هیجان‌ات شدید و غالباً

- آکوچکیان، عبدالحمید، ساعی، محبوبه، قاسمیان نژاد جهرمی، علی نقی. (۱۳۹۲). تجربه‌های نزدیک به مرگ: دلیلی تجربی بر ادامه حیات پس از مرگ، فلسفه و کلام، دوره ۴، شماره ۹.

- Badham, Paul. (1997). Religious and Near-Death Experience in Relation to Belief in a Future Life. Mortality, Vol 2, No 1. Carfax: Abingdon
- Cressy, J. (1994). The Near-death Experience Mysticism Or Madness. MA: Christopher Publishing House

مثبت، مواجهه با نوری درخشان و اسرارآمیز، دیدار با موجودات روحانی یا خویشاوندان فوت‌شده، و احساس تغییر در زمان و مکان است (لانگ و پری، ۱۳۹۸، ص. ۱۲).

گریسون، استاد روانپزشکی دانشگاه ویرجینیا، مؤلفه‌های مشابهی را ارائه کرده است، از جمله تجربه وضعیت تغییر یافته زمان، تسریع تمامی رویدادها، مرور زندگی، احساس آرامش، شادمانی، یگانگی با کائنات، ادراک فراحسی، ورود به دنیای متفاوت و آن‌جهانی، حضور موجودات، درگذشتگان و یا شخصیت‌های مذهبی (پرنیا، ۱۳۹۷، ص. ۲۸). مورس نیز ۹ مؤلفه را برای تجربه نزدیک به مرگ مشخص کرده است که شامل احساس مرده بودن، آرامش و بی‌دردی، خروج از بدن، تونل منتهی به نور، مشاهده کالبدهای نورانی، ملاقات با وجود مقدس، بازبینی مجدد سال‌های زندگی، اکراه از بازگشت، و تحولات شخصیتی می‌شود (مورس، ۱۳۸۰، ص. ۶).

اکنون باید بررسی کرد که این تجربه انسانی با مؤلفه‌های مطرح شده چه نسبتی با آموزه‌های عارفان مسلمان، از جمله امام خمینی، دارد. بدین منظور، ابتدا به تبیین چستی انسان در عرفان اسلامی و مفاهیم مرتبط با جنبه‌های باطنی انسان و تجارب عرفانی خواهیم پرداخت.

۳. انسان در عرفان اسلامی

انسان در اندیشه عارفان مسلمان به‌عنوان آینه تمام‌نمای صفات و ذات الهی شناخته می‌شود. او موجودی جامع است که تمام عوالم الهی و کونی، اعم از کلی و جزئی، در او متجلی می‌شوند. امام خمینی انسان را به‌عنوان اعجوبه دهر معرفی می‌کند که عصاره‌ای از تمام هستی و موجودات عالم است و وجود او همچون نقشه کوچکی از عالم کبیر می‌باشد (اردبیلی، ۱۳۹۲، ج ۳، ص. ۳۰۳). امام بر این باور است که اگر وجود انسان را بسط دهند، کاملاً با عالم کبیر انطباق مثل بر مثل خواهد داشت (اردبیلی، ۱۳۹۲، ج ۳، ص. ۱۱). عین‌القضات همدانی معتقد است که وقتی واژه «انسان» به کار برده می‌شود، بسیاری از مردم عوام آن را تنها به جسم مادی انسان نسبت می‌دهند، اما اهل حقیقت می‌دانند که این واژه در واقع به روح اشاره دارد. چنان‌که اگر گفته شود کسی عالم یا جاهل، سخاوتمند یا بخیل و باایمان یا کافر است، همگی به روح انسان مربوط می‌شود، چرا که جسم قادر به پذیرش این اوصاف نیست (عین‌القضات، ۱۳۴۱، ص. ۱۵۸). امام خمینی معرفت به انسان در حد جسم مادی یا طبیعت را پایین‌ترین درجه شناخت از انسانیت می‌داند. او اشاره می‌کند که

این نوع ادراک، تنها شبیحی از حیوانیت است و چون ما به طبیعت مادی خو گرفته‌ایم، همین سطح از شناخت ما را قانع می‌کند (امام خمینی، ۱۳۷۹، ج ۸، ص. ۴۳۴).

۳-۱. ساختار وجودی انسان

امام خمینی در برخی آثار خود، انسان را دارای دو نشئه یا عالم می‌داند:

- نشئه ظاهری ملکیه دنیویه، که همان بدن مادی است.
- نشئه باطنی غیبیه ملکوتیه، که از عالم دیگر است و پس از مرگ باقی می‌ماند (امام خمینی، ۱۳۹۴، ص. ۵).

۳-۲. نشئه باطنی

نشئه یا ساحت باطن آدمی را اغلب «نفس» نام می‌نهند؛ البته این واژه در آثار امام خمینی در معانی مختلفی به کار رفته است. گاه نفس به معنای عام و کلی به کار رفته و به تمامی وجود انسان اشاره می‌کند. در مواقعی دیگر، امام خمینی نفس را به عنوان «دشمن‌ترین دشمن» انسان معرفی می‌کند (امام خمینی، ۱۳۷۹، ج ۱۳، ص. ۸۰). از دیدگاه امام، نفس به عنوان بُعد باطنی و اصلی شخصیت انسان دارای مقامات و مراتبی است. ایشان گاه این مراتب را به هفت، چهار، سه یا دو بخش تقسیم کرده‌اند (امام خمینی، ۱۳۹۴، ص. ۵).

البته نفس را روح و جان و عقل و دل نیز می‌گویند و آن جوهری از عالم ملکوت است و دیده نمی‌شود مگر به بصیرت باطنیه (نراقی، ۱۳۹۸، ج ۱، ص. ۱۹). به تعبیر بسیاری از عرفا روح، مرغ ملکوتی است که با هبوط جسمانی از موطن اصلی خود دور افتاده و در قفس تن محبوس گشته و از این جدایی شکایت دارد.

۳-۲-۱. قوای نفس

نفس به عنوان بعد غیرمادی انسان، با وجود وحدت و کمال بساطت، دارای توانایی‌ها و قوایی است که عرفا و حکما بر اساس تطابق با عوالم خلقی، سه قوه حس، خیال و عقل را برای آن در نظر گرفته‌اند (الشیرازی، ۱۹۸۱، ج ۹، ص. ۱۹۴). امام خمینی، برای ادراک صحیح، لازم می‌داند که مدرک و مدرک با یکدیگر هم‌سنخ باشند. مدرکات به سه قسم تقسیم می‌شود: موجودات عالم طبیعت، عالم عقل و عالم برزخ. (اردبیلی، ۱۳۹۲، ج ۱، ص. ۲۷۰).

برای این عوالم خصوصیات ذکر شده است که برای تسهیل درک کیفیات قوای مدرکه به طور خلاصه آورده خواهد شد:

- عالم عقل: که از نظر اهل معرفت، این عالم نخستین مرتبه پس از تعیین ثانی و خارج از صقع ربوبی است و به نام‌های «عالم غیب»، «عالم امر»، «عالم علوی» نیز شناخته می‌شود. این عالم ذاتاً مجرد است (یزدان‌پناه، ۱۳۹۳، صص. ۵۳۳-۵۲۳).
- عالم طبیعت: کیفیت این عالم نقطه مقابل عالم عقل است و مادیت در ذات آن قرار دارد. به آن «عالم محسوس» یا «شهادت مطلقه» نیز گفته می‌شود. زمان و مکان از خصوصیات ذاتی این عالم به شمار می‌آیند.
- عالم برزخ: عالم برزخ یا عالم مثال واسطه‌ای میان عالم ارواح و اجسام است و به گفته ابن عربی، مجمع البحرین و اوسع حضرات به شمار می‌آید (ابن عربی، ۱۳۹۱، ج ۳، ص. ۳۶۱). به دلیل برزخ بودن، فاقد ماده است اما دارای برخی از خصوصیات آن، مانند شکل و صورت، می‌باشد. در این عالم، ارواح دارای جسم و اجساد دارای روح می‌شوند (کربن، ۱۳۸۴، ص. ۱۹). به همین دلیل تمام ملکات، خلقیات، نیات، نتایج اعمال، حرکات و گفتار که در باطن و ضمیر انسان مخفی بوده و در واقع روح اعمال انسان به شمار می‌آید، در برزخ بروز و ظهور می‌یابد. در این عالم، حوادث روحانی مانند رویاهای صادقه و وحی‌ها به وقوع می‌پیوندند (پورنامداریان، ۱۴۰۲، ص. ۲۴۷).

۳-۳. نشئه ظاهری

نشئه ظاهری، به گفته عارفان همان جسم که متقوم به عنصر ظلمانی است و کثرت و ترکیب و موت و خمود لازمه آن است (جنیدی، ۱۳۶۲، ص. ۷۹). این بدن مادی به گفته امام خمینی، ساتر بدن برزخی و آن نیز ساتر نفس است، و نفس ساتر قلب، و قلب ساتر روح و... هر مرتبه نازل ساتر مرتبه عالی‌تر است (امام خمینی، ۱۳۸۸، ص. ۹۱). انسان تنها به بدن مادی و عنصری محدود نمی‌شود و در مراتب مختلف وجودی خود، دارای بدن‌هایی است که در طول یکدیگر قرار دارند. بر اساس دلایل عقلی، صعود به عالم بالا با بدن عنصری و متکاتف امکان‌پذیر نیست و نیاز به بدنی نورانی و مناسب با عالم ملکوت دارد. در این راستا، نفس در هر مرتبه‌ای از عوالم هستی، بدنی متناسب با همان عالم را داراست. امام خمینی بیان می‌دارد: «پس از مرگ، انسان با بدن برزخی و قالب مثالی خود را می‌یابد» (اردبیلی، ۱۳۹۲، ج ۲، ص. ۳۶۴). این قالب مثالی واجد تمامی ادراکات بدن مادی بدون محدودیت‌های عالم طبیعت است، به عنوان مثال، در عالم برزخ، نیازی به شروط مادی مانند قرع و قلع و تموج هوا برای شنیدن نیست، زیرا اینها تنها لوازم تحقق قوا در مرتبه شهادت هستند (اردبیلی، ۱۳۹۲، ج ۲، صص. ۳۱۸-۳۱۳). عالم مثال بر عالم ماده احاطه دارد و

موجودات مثالی نسبت به موجودات مادی از قوت و عظمت بیشتری برخوردارند. حرکت آنها سری‌عتر، حزن و اندوه و مسرت و لذت آنها افزونتر و آثار آنها از عالم طبع و ماده تأثیری‌رگذارتر است، چون در حیات فیزیکی وجود ماده مانع فراوانی این خصوصیات است. هر چه مرتبه وجود بالا می‌رود، رو به شدت و قوت است (حسینی طهرانی، ۱۳۸۰، ج ۲، ص. ۱۶۲).

۳-۴. جدایی نشئه ظاهر و باطن

نشئه باطن یا بعد ملکوتی انسان پس از جدایی از بدن مادی به حیات خود ادامه می‌دهد. این جدایی معمولاً در مرگ طبیعی رخ می‌دهد، اما عرفاً نوع دیگری از مرگ به نام «مرگ اختیاری» یا «مرگ پیش از مرگ» را نیز مطرح کرده‌اند. بنابراین مرگ که در واقع نوعی انتقال از نشئه ای به نشئه دیگر است، به دو صورت رخ می‌دهد یا به صورت طبیعی و اجباری که در آن نفس به‌طور ناگزیر از بدن جدا می‌شود و یا به صورت اختیاری که برای اولیاء الله با ارشاد شیخ و از طریق تهذیب نفس، مجاهده و کنار گذاشتن تعلقات مادی امکان پذیر است. یکی از نتایج این موت اختیاری، انواع مشاهداتی است که برای سالک پدید می‌آید، مشاهداتی که برای انسان عادی جز با مرگ طبیعی حاصل نمی‌شود. (حسینی زاده و صادقی، ۱۴۰۲، ص. ۴۶) به گفته نسفی، افرادی که به این مرگ اختیاری دست یافته‌اند، آنچه دیگران پس از مرگ طبیعی خواهند دید را پیش‌تر مشاهده می‌کنند و احوال پس از مرگ برای آن‌ها روشن می‌شود و آن‌ها از علم‌الیقین به عین‌الیقین می‌رسند (نسفی، ۱۳۷۷، ص. ۱۰۸).

بر اساس حدیث نبوی «من مات فقد قامت قیامته»، از احوال پس از مرگ، می‌توان به مواجهه با صور حقیقی اعمال و کردار اشاره کرد. البته به گفته امام خمینی، صحنه قیامت در باطن این جهان همواره موجود است و تنها مرحله ظهور آن، مستلزم برچیدن بساط کیهانی کنونی است. زیرا آنچه که فراتر از زمان است، همواره بوده، هست و خواهد بود (طباطبایی و نجف آبادی، ۱۳۹۸، ص. ۱۰۲) و اگر کسی با مرگ اختیاری، حجاب‌های را کنار بزند، قادر خواهد بود همه آن صحنه‌های قیامت را هم‌اکنون مشاهده کند. (امام خمینی، ۱۳۹۷، ص. ۱۷)

امام خمینی مرگ اختیاری را مختص انبیا و اولیا می‌داند، که طی آن، هر چه میان آن‌ها و حق تعالی حجاب بوده، می‌شکنند و صعق برای آنها حاصل می‌شود و خداوند تبارک و تعالی بر آن‌ها تجلی می‌کند (امام خمینی، ۱۳۷۹، ج ۱۳، ص. ۵۱۴).

یکی از موضوعات مهم دربارهٔ موت اختیاری در آموزه‌های عرفانی، که با آراء حکمای اسلامی نیز هم‌راستا است، مسئلهٔ «خلع بدن» است. در ادامه به این موضوع، و نیز به «کشف و شهود» به‌عنوان تجربه‌های عرفانی پرداخته می‌شود که از راه «جدای می‌ان نشئه ظاهری و باطنی» برای سالک قابل تحقیق‌اند.

۱-۴-۳. خلع بدن

اهل معرفت با مرگ اختیاری، بر نفس خود مسلط می‌شوند و با تضعیف جنبه‌های جسمانی و تقویت ابعاد روحانی و ملکوتی، به حالتی می‌رسند که می‌توانند بدن را همانند لباسی کنار بگذارند و هر زمان که اراده کنند، آن را دوباره بر تن کنند (سهروردی، ۱۳۷۳، ج ۱، ص. ۵۰۳). این تجربه که در میان حکما به نام «نضو جلاب» یا «انسلاخ» نیز شناخته می‌شود، جایگاه بسیار مهمی دارد. به حدی که میرداماد معتقد است، حکیمی که به این دانش دست نیافته باشد، در زمره حکمای الهی و متألّهین قرار نمی‌گیرد. خلع بدن به فرد اجازه می‌دهد به عالم نور عروج کنند (میرداماد، ۱۳۸۰، صص. ۷۴-۷۳).

۲-۴-۳. کشف و شهود

همانطور که امام خمینی بیان می‌دارند: «وقتی نفس از تدبیرات بدنی فارغ شود، به عوالم غیبی متصل و حقایق غیبی را شهود می‌کند» (امام خمینی، ۱۴۱۰، ص. ۱۲۳-۱۲۴). کشف به معنای رفع حجاب است و حجاب به معنای پرده و پوشش است؛ در اصطلاح عارفان، حجاب هر چیزی است که باعث شود انسان مطلوب خود را نبیند (ابن عربی، ۱۳۶۷ق، ج ۱، ص. ۵۶۶). به این ترتیب، تمام مراتب وجودی به نوعی حجاب بین مخلوق و خالق تلقی می‌شوند، حتی حقایق مجرد و عقول مقدسه نیز به‌عنوان حجب نورانی در نظر گرفته می‌شوند (آشتیانی، ۱۳۷۰، ص. ۵۴۵). سالک الی‌الله با تزکیه نفس و مجاهده، حجاب‌های ظلمانی و نورانی پشت سر می‌گذارد و به شهود حضوری و ارتباط مستقیم با حقیقت نائل می‌شود (امام خمینی، ۱۳۹۴، ص. ۵۹۱).

کشف به دو نوع صوری و معنوی تقسیم می‌شود:

۱-۲-۴-۳. کشف صوری

در ابتدای سیر و سلوک عرفانی، نخستین حجابی که کنار می رود حجاب ماده است. با رفع این حجاب، حقایق مثالی و برزخی برای سالک آشکار می شود. این حقایق هرچند که از جنس ماده نیستند، اما دارای اوصاف مادی مانند رنگ، شکل، و مقدار هستند. این نوع کشف که از طریق حواس باطنی به دست می آید، به پنج نوع است تقسیم می شود:

- کشف ابصری: در این نوع کشف سالک می تواند حقایق برزخی، موجودات مثالی و ارواح را در قالب های نورانی و مثالی ببیند. همچنین می تواند حالات روحی و درونی خود و دیگران را نیز در قالب مثالی مشاهده کند.
- کشف سمعی: به مکشوف شدن اصوات و مسموعات مثالی و برزخی اشاره دارد که با برخورداری از سمعی برتر و بالاتر تحقق می یابد.
- کشف شمعی: در این نوع کشف، با شمعی برتر می تواند روایح ربوبی و نفحات الهی را استشاق و استشمام می کند.
- کشف ذوقی: به تجربه خوردن و آشامیدن طعام های ملکوتی و شراب های برزخی اشاره دارد که به تناسب مرتبه سالک صورت می گیرد.
- کشف لمسی: در این کشف، سالک توانایی لمس چیزهایی را پیدا می کند که قبلاً قادر به لمس آنها نبوده است (شجاعی، ۱۳۹۰، صص. ۱۲۹-۱۳۷).

۲-۲-۴-۳. کشف معنوی

این نوع کشف به حقایق عالم عقل و فراتر از آن مربوط می شود و شامل ظهور معانی غیبی و حقایق عینی است. تمامی اقسام کشف به عنوان تجلیات اسمایی به شمار می روند (آشتیانی، ۱۳۷۰، ص. ۵۵۸).

۳-۲-۴-۳. رابطه کشف و تجلی

کشف و شهود به طور مستقیم با تجلی اسمای الهی ارتباط دارد. هر اسم و صفت الهی که در وجود سالک تجلی می یابد، آثار و برکات خاص به همراه دارد. برای نمونه، تجلی اسم «بصیر» توانایی دیدن حقایق غیبی را به سالک می بخشد، در حالی که تجلی اسم «سمیع» او را قادر می سازد تا اصوات معنوی و غیبی را بشنود.

سالک با تجلی اسم «محیط» احاطه وجودی پیدا می‌کند و از محدودیت‌های زمانی و مکانی رها می‌شود. این تجلیات، به تناسب ظرفیت و مقام معنوی سالک، به‌طور متفاوت ظاهر می‌شوند. (شجاعی، ۱۳۹۰، ص. ۱۹۳-۱۹۵).

۴-۲-۴-۳. رابطه تجلی و احوال

احوال سالکان نیز بر اساس تجلیات الهی متغیر است. گاه سالک مظهر تجلیات اسمای جمال الهی و در مواقعی دیگر مظهر اسمای جلالی می‌شود. این مفهوم در گلشن راز شبستری به وضوح بیان شده است:

تجلی گه جمال و گه جلال است رخ و زلف آن معانی را مثال است
صفات حق تعالی لطف و قهر است رخ و زلف بتان را زان دو بهر است

(لاهیجی، ۱۳۸۱، ص. ۴۶۶)

امام خمینی نیز مانند سایر عارفان، تجلیات لطفی جمالی را سبب عشق و جذب سالک می‌داند، در حالی که تجلیات جلالی موجب خوف و خشیت می‌شوند (امام خمینی، ۱۳۸۸، ص. ۱۲۳). هجویری در مورد تفاوت این دو نوع تجلی بیان می‌کند: «انس و هیبت دو حالت از احوال پیروان طریق حق هستند؛ هنگامی که حق تعالی به دل بنده به شاهد جلال تجلی کند، نصیب او در آن حال هیبت است و زمانی که به شاهد جمال تجلی کند، نصیب او انس و سرور خواهد بود» (هجویری، ۱۳۵۸، ص. ۴۹). این تجلیات الهی در مکاشفات می‌تواند به شکل رؤیت نور و الوان یا مشاهدات روحانی جلوه‌گر شود.

۵-۲-۴-۳. رؤیت نور و الوان در مکاشفه

در طی سیر و سلوک، انوار مختلفی بر سالک کشف می‌گردد که دارای مراتبی است. در این میان، «نورالانوار» عالی‌ترین مرتبه را به خود اختصاص می‌دهد و علت هستی همه موجودات و منشأ وجود است و از جمیع جهات در فعلیت شدید است. امام خمینی سلسله نظام وجود را همان نور جمال می‌داند که هرچه به مبدأ نور نزدیک‌تر باشد، انورتر است. وی همچنین ظلمت را به‌عنوان «عدم النور» تعریف می‌کند؛ بنابراین، هرچه نور بیشتر باشد، قهراً ظلمت عدم کاسته می‌شود (اردبیلی، ۱۳۹۲، ج ۱، ص. ۳۸۰).

عارفان در کنار نور به ظلمت و تاریکی نیز پرداخته‌اند. نجم‌الدین کبری ارکان چهارگانه هستی (خاک، آب، آتش، هوا) را همان تاریکی و ظلمت می‌داند که رهای بی‌کامل از آن تنها با مرگ ممکن است (نجم‌الدین

کبری، ۱۴۰۳، ص. ۲۸) و سالک با «مرگ اختیاری» که حاصل ریاضت و مجاهدت اوست، می‌تواند به این رهایی دست یابد و به گفته امام خمینی ابتدای سلوک الی الله خروج از حجاب های ظلمانی و تاریک عالم طبیعت و کشف حجاب های نورانی عالم غیب است (امام خمینی، ۱۳۸۸، ص. ۲۷۸).

در آثار عرفانی از الوان نوری نیز یاد شده است. نجم الدین کبری رنج زیادی را در تشریح نورهای رنگین و تفسیرشان به عنوان علائم حالت مکاشفه عارف و مرتبه سیر روحانیش کشیده است او توضیح می‌دهد: «رنگ سبز نشانی از حیات دل است و رنگ آتش اگر به دور از کدورت و شفاف باشد، نشان حیات همّت است و... رنگ کبود رنگ حیات نفس و رنگ زرد نشانی از ضعف و ناتوانی است» (Corbin, 1994, P.77).

نجم‌الدین رازی، شاگرد او، نور سفید را نشانه اسلام و نور زرد را نماد ایمان می‌داند و نور کبود را به احسان و نور سبز را به نفس مطمئنه نسبت می‌دهد و در نهایت، نور سیاه در اندیشه او بیانگر عشق پرشور و سرشار از وجد است. (Corbin, 1994, P.107). رازی همچنین نور و ظلمت را از صفات لطف و قهر خداوند می‌داند و معتقد است که خداوند «نور آسمان‌ها و زمین» است. به گفته او، نور تجلی صفات جمال الهی و سیاهی را نمایانگر صفات جلال الهی است (رازی، ۱۳۸۷، ص. ۱۵۲).

۶-۲-۴-۳. شیخ الغیب در مکاشفات

شیخ، پیر یا مرشد، راهنمایی است که در مسیر سلوک و مکاشفه به سالک کمک می‌کند. او نه تنها با مسیر آشناست، بلکه به دلیل ولایتی که از جانب خداوند یافته، قادر است در باطن سالک تصرف کرده و با تعلیم و هدایت خود نفس را برای کوچ از غربت زمینی تشویق و راهنمایی کند. ابن عربی پیر را چنین توصیف می‌کند: «إن الشيخ عبارة عن جمع جميع ما يحتاج إليه المرید السالک فی حال تربیته و سلوکه و کشفه» (ابن عربی، ۱۳۹۱، ج ۲، ص. ۳۶۵).

این پیر در آثار عرفانی گاه معنای راهنمای درونی دارد که از آن به «خضر»، «شیخ الغیب»، «طباع تام»، «عقل فعال»، «عقل سرخ»، «جبرئیل» و... یاد شده است. این پیکره‌ی نورانی و مثالی، در مواقع بحرانی بر اهل طریقت تجلی می‌کند و آن‌ها را از ظلمت و حیرانی نجات می‌دهد. نمونه‌ای از این مسأله در «سیر العباد

الی معاد» آمده است، جایی که شاعر حیران و دل‌خسته شده است و ناگهان در میان تاریکی «پیرمردی لطیف و نورانی» را می‌بیند، که گرچه کهنسال است، اما از بهار تازه‌تر و نوتر است (سنایی، ۱۳۴۸، ص. ۲۵۵-۲۵۳).

به عقیده برخی از اهل تصوف، این راهنمای نورانی همان حقیقت ملکوتی یا «انانیت آسمانی» هر فرد است که با هبوط به عالم جسمانی، از آن جدا شده است. این راهنما تنها پس از مرگ جسمانی برای فرد آشکار می‌شود، اما اولیاءالله با مرگ پیش از مرگ، می‌توانند به فیض وصال او برسند. نجم‌الدین کبری در «فوایح الجمال و فواتح الجلال» لحظه‌ای را توصیف می‌کند که سالک به دیدار «من آسمانی» می‌رسد: «وقتی دایره صورت درخشان می‌شود و انواری مانند چشمه‌ی آب از انوار لبریز می‌جوشد، تا جایی که سالک جوشش انوار را از صورت خود احساس می‌کند. در این زمان از برابر دیدگان تو در برابر چهره ات، رخساره ای از نور قرار خواهد گرفت آن صورت در حقیقت صورت توست و آن خورشید، خورشید روح است که در بدن در رفت و آمد است.» (نجم‌الدین کبری، ۱۴۰۳، صص. ۸۱-۸۲). او این پیکر نورانی را «شیخ الغیب» یا «میزان الغیب» می‌خواند.

۴. تحلیل (NDE) با رویکرد عرفانی

بررسی و تحلیل تجربه‌های نزدیک به مرگ ابتدا نیازمند شناخت کیفیت پدیدار شدن این تجارب است. همانطور که گفته شد، پژوهشگران با بهره‌گیری از شرح و توصیف تجربه‌گران از مراحل مختلف این تجربه، به الگوهایی از مؤلفه‌های مشترک دست یافته‌اند که فارغ از سن، نژاد، جغرافیا، ملیت تجربه‌گر و نوع مواجهه آن‌ها با مرگ، همسانی غیرقابل‌انکاری دارند. حتی افراد غیرمذهبی، از جمله آتئیست‌ها (بی‌خدایان) از این تجربه‌ها برخوردار بودند (Greyson, 2006, p. 400). بر این اساس، محققان با توجه به یافته‌های خود، الگوی خاصی را برای تجربه‌ها عنوان کرده‌اند. برخی تنها به بیان کلی‌ترین ویژگی‌ها و عده‌ای جزئیات بیشتری را در فهرست مؤلفه‌های مشترک تجربه‌های نزدیک به مرگ قرار داده‌اند. در ادامه، با توجه به مجال در این نوشتار، ضمن بیان پرتکرارترین و مهم‌ترین مؤلفه‌هایی که توسط پژوهشگران با سابقه و فعال در این زمینه ثبت شده، به تحلیل آن‌ها با استفاده از آموزه‌های عرفانی پرداخته خواهد شد.

۴-۱. خروج از بدن

یکی از نخستین مؤلفه‌های تجربه نزدیک به مرگ، «خروج از بدن» است. تجربه‌گران به‌طور ناخواسته و ناگهانی خود را خارج از بدنشان می‌بینند و آنان هویت اصلی‌شان را بعد غیرمادی خود می‌دانند. عباراتی همچون «من در گوشه سقف بودم و به آن جسم بی‌جان نگاه می‌کردم» نشان‌دهنده این موضوع است (پرنیا، ۱۳۹۷، ص. ۷۰). آنها این تجربه را به «درآوردن لباس» (Van Lommel, 2010, p19) یا «پوست‌اندازی» نیز تشبیه کرده‌اند (پرنیا، ۱۳۹۷، ص. ۷۳) و احساس سبکی و آزادی گزارش شده است (مودی، ۱۳۶۳، ص. ۴۰). آنان پس از خروج از بدن مادی، احساس می‌کنند از پیکری جدید برخوردار شده‌اند: «هنگامی که از تن فیزیکی‌ام بیرون آمدم، وارد چیزی دیگر شدم. فکر نمی‌کردم که هیچ باشم. بدن دیگری بود، ولی شبیه بدن معمولی نبود، اما به چیز دیگری هم شباهت نداشت... نمی‌توانم به شرح آن بپردازم (مودی، ۱۳۶۳، ص. ۵۱-۵۴).

در متون اسلامی و عرفانی نیز، اصطلاحات مشابهی برای توصیف تجربه جدایی از بدن وجود دارد. تعبیری چون «پوست انداختن مار» (اردبیلی، ۱۳۹۲، ج ۳، ص. ۵۴۲) یا «ترک جامه کهنه» برای مرگ یا خلع بدن به‌کار رفته است. انسان از دیدگاه عرفان اسلامی، محدود به بدن مادی نیست و بعد باطنی و جاودانه‌ای به نام نفس یا روح نیز دارد. امام خمینی بر این باور است که انسان به محض انقطاع از بدن مادی، خود را با بدن برزخی و قالب مثالی‌اش درمی‌یابد. (اردبیلی، ۱۳۹۲، ج ۲، ص. ۳۶۴) این قالب، اگرچه دارای شکل و بعد است، از ماده مجرد بوده و فاقد زمان، مکان و سنگینی می‌باشد؛ زیرا این ویژگی‌ها مختص جهان مادی هستند. البته انقطاع نفس از بدن، یا همان خلع بدن، برای سالک به‌طور ارادی و زیر نظر شیخ با ریاضت و مجاهدت صورت می‌گیرد. سالک در این مسیر با مهار کردن نفس، تسلط بر آن، تضعیف قوای جسمانی و قطع تعلقات تلاش می‌کند تا این تجربه عرفانی را به دست آورد.

۲-۴. ادراک و ارتباط فراحسی

در تحقیقات NDERF، تمامی حواس پنج‌گانه (بینایی، شنوایی، لامسه، چشایی و بویایی) در تجربیات گزارش شده‌اند. تجربه‌گران اغلب می‌گویند که حواس آن‌ها در آن لحظات تقویت شده و حتی به ادراکات جدیدی مانند دید ۳۶۰ درجه یا شنیدن اصوات معنوی و غیبی دست یافته‌اند (لانگ و پری، ۱۳۹۸، صص. ۹۱-۹۲). این توانایی‌ها در حالی ظهور می‌یابند که بدن فیزیکی قادر به پاسخ‌دهی به محرک‌های خارجی نیست.

از منظر عرفانی، این پدیده‌ها با توجه به ساختار وجودی انسان و مراتب باطنی نفس قابل تبیین هستند، به طوری که نفس انسان شامل قوای ادراکی گوناگونی است که در ساحت‌های متفاوت به فعالیت می‌پردازند و عارفان با کشف حجاب ماده و شهود حقایق عالم مثال، به انواع کشف‌های کشف‌های بصری، شنیداری، بویایی، ذوقی و لمسی دست می‌یابند. امام خمینی نیز بر این نکته تأکید دارد که تمام قوای بدن مادی در بدن برزخی نیز وجود دارند، چرا که این امور از لوازم ذاتی نفس بوده و از آن جدا نمی‌شوند (اردبیلی، ۱۳۹۲: ج ۳، صص. ۳۰۵-۳۰۷). در تجربه نزدیک به مرگ، نوع تکلم نیز به شکل متفاوتی گزارش شده است. بسیاری از تجربه‌گران نزدیک‌ترین واژه برای توصیف این نوع ارتباط را «تله‌پاتی» می‌دانند. در گزارشی آمده است: «ابتدا فکر کردم (مردهای روحانی) با دهانشان صحبت می‌کنند، اما آن‌ها به شیوه‌ای سریع‌تر و کامل‌تر ارتباط برقرار می‌کردند. این شبیه به تله‌پاتی بود، اما این توصیف به‌طور کامل آن را بیان نمی‌کند (Eadie, 1992, P. 32-33). تجربه‌گران به دلیل ناآشنا بودن با این نوع ادراک و ارتباطات، دچار شگفتی می‌شوند و در توصیف این تجربه با چالش‌هایی روبه‌رو هستند؛ به طوری که از به‌کار بردن واژه «صحبت کردن» برای این نوع ارتباط خودداری می‌کنند.

عارفان مسلمان به این موضوع آگاه‌اند که عالم مثال بر عالم ماده احاطه دارد و به دلیل نبود محدودیت‌های مادی، تمامی کمالات در آن عالم بدون نواقص وجود دارند. به‌عنوان مثال، برای شنیدن نیازی به تموج هوا و ارتعاشات صوتی نیست (اردبیلی، ۱۳۹۲، ج ۳، صص. ۳۰۵-۳۰۷). امام خمینی نیز بیان می‌کند که حقیقت تکلم، به معنای از غیبت به شهادت آوردن چیزی است، حتی اگر این تکلم بدون استفاده از لب‌ها انجام شود (اردبیلی، ۱۳۹۲، ج ۲، ص. ۱۴۲). بنابراین، این نوع ارتباط بیشتر شایسته است که به‌عنوان «تکلم» شناخته شود تا ارتباطات موجود در جهان مادی.

۳-۴. عبور از تاریکی و مواجهه با نور

ملوین مورس پس از سال‌ها پژوهش اذعان می‌کند که اگرچه محققان ممکن است برای برخی از مؤلفه‌های تجربه نزدیک به مرگ توجیهاتی در مغز بیابند، اما احساس رؤیت نور جایگاهی در مغز ندارد و نمی‌توان آن را به‌طور مصنوعی ایجاد کرد. این نور بدون شک منشأیی خارج از بدن دارد و بیشترین تحولات و دگرگونی‌های بعد از تجربه‌های نزدیک به مرگ، به دلیل ملاقات با این نور رخ می‌دهد (مورس، ۱۳۸۰، ص. ۲۴۳-۲۴۵). در بسیاری از موارد، افراد پس از عبور از فضای تاریک به نوری گرم و تابنده می‌رسند: «من با

سرعتی ما فوق تصور از خلاً تاریک گذشتم. می توان این فضا را به تونل تشبیه کرد» (مودی، ۱۳۶۳، ص. ۳۷). همچنین در گزارشی گفته شده است: «با نزدیک شدن به نور، ابعاد تونل کوچک تر و شدت نور بیشتر می شد» (لانگ و پری، ۱۳۹۸، ص. ۱۵) و «این نور از هیچ کجا نمی آمد، اما همزمان انگار در هر سو می درخشید، مثل میلیون ها فانوس که همزمان روشن شده باشند» (ری میلز، ۱۴۰۱، ص. ۶۵).

اهل معرفت، سلوک الی الله را به عنوان خروج از ظلمت و تاریکی ها مادی و پیوستن به نور حقیقی می دانند. در مسیر سلوک، انوار مختلفی بر سالک کشف می شود که دارای مراتب گوناگونی است. امام خمینی بالاترین مرتبه را «نور الانوار» معرفی می کند که روشنی آن به علت شدت نورانیت و فیض، بی نهایت است. هرچه فرد به منبع نور نزدیکتر شود، مرتبه آن بالاتر و درخشش آن بیشتر خواهد بود. در عرفان اسلامی، نور نه تنها روشنی بخش است، بلکه به علت تجلیات جمالی آن همراه با عشق، انس، محبت و لطف الهی است.

تجربه گران گاهی از نورهای رنگارنگ یاد می کنند: «این نور تنها یک نور ساده نبود، بلکه رنگ های طلایی، نقره ای، بنفش و صورتی به سوی من جاری می شدند، درست مانند سیلان عشق و بخشش» (هلدن، ۱۳۹۷، ص. ۱۶۲).

در شهودات عرفانی سالکان، الوان رنگی نیز نمایان می شوند. البته طیف رنگی مورد اشاره در آثار عرفانی غالباً به رنگ هایی مانند سرخ، زرد، سفید، سبز و سیاه محدود شده است. این طیف مطرح شده، با تجربه های نزدیک به مرگ تفاوت هایی دارد که ممکن است در مقام تفسیر به این شکل گزارش شده باشد. اما آنچه مسلم است، برخلاف اینکه در تجربه نزدیک به مرگ این الوان و انوار تنها بصورت یک پدیده ای بصری تفسیر می شود، در عرفان اسلامی بالاتر از آن نشان دهنده حالات درونی سالک و مراتب سلوک او هستند و شیخ با توجه به این علایم، مرتبه و ضمیر مرید را تشخیص می دهد. در تجربه نزدیک به مرگ، نمی توان به آسانی این انوار و الوان شهود شده را با مرتبه و صفا و پاکی تجربه گر متناسب دانست، هر چند که می توان این مسئله را به عنوان یک فرضیه مطرح کرد.

۴-۴. ملاقات با موجودات روحانی

بسیاری از افرادی که تجربه نزدیک به مرگ داشته‌اند، از مواجهه با موجوداتی روحانی سخن می‌گویند که نقش راهنما یا محافظ را ایفا می‌کنند. این موجودات گاهی به شکل بستگان یا دوستان فوت‌شده، و گاه به صورت افراد نورانی یا موجودات ناشناخته ظاهر می‌شوند و در عبور از مراحل مختلف به فرد کمک می‌کنند. این راهنماها که سرشار از محبت، شفقت و دانش‌اند، به گذشته، حال و آینده تجربه‌گر آگاهی دارند و به گونه‌ای پدران‌ه او را حمایت می‌کنند: «آن وجود نورانی که در برابر من ایستاده بود، بهتر از هر کسی مرا می‌شناخت؛ همه چیز را درباره‌ام می‌دانست؛ هر چیزی که به آن اندیشیده بودم، بر زبان آورده یا انجام داده بودم» (هلدن، ۱۳۹۷، صص. ۶۳-۶۱).

در عرفان اسلامی نیز دیدار سالک با «پیشوای پنهان» یا «خضر» لحظه‌ای کلیدی در سلوک الی‌الله به شمار می‌آید. در هر دو تجربه، این پیکرهای مثالی نقشی هدایت‌گر و حمایتی ایفا می‌کنند، به گونه‌ای که با دانش غیبی خود از باطن سالک یا تجربه‌گر آگاه هستند و می‌توانند در عبور از مراحل مختلف یاری‌رسان باشند. برخی تجربه‌گران نیز از احساس رابطه‌ای عمیق و حتی وحدت با این راهنماهای روحانی سخن می‌گویند: «پیکری نورانی در برابر من بود. نور در اطرافش پرتو افشانی می‌کرد، احساس کردم که وارد آن پیکره شدم. غلیان عشقی بی‌قید و شرط را در خود حس کردم. مرا در آغوش گرفت و با خود گفتم: من به خانه رسیده‌ام. روح با عظمت او را احساس کردم و دانستم که همیشه بخشی از وجود او بوده‌ام، در واقع هرگز از او جدا نشده بودم» (Eadie, 1994, pp. 40-41).

عارفان مسلمان بر این باورند برای هر انسان، پیش از تولد و آفرینش خاکی‌اش، ذاتی نورانی آفریده شده که از روز ولایت همواره همراه اوست و حمایت او را بر عهده دارد (کربن، ۱۳۸۴، ص. ۷۵). اهل معرفت وصال به این «معشوق آسمانی» یا «ذات نورانی» را تنها با ریاضت و ترک عالم و تعلقات دنیوی ممکن می‌دانند؛ اما این رؤیت برای تجربه‌گر نزدیک به مرگ به صورت ناگهانی و بدون ممارست خاصی رخ می‌دهد.

۴-۵. مرور زندگی گذشته

مرور زندگی یکی از پدیده‌های مشترک در تجربه‌های نزدیک به مرگ به شمار می‌رود. در این حالت، فرد تمام یا بخشی از وقایع زندگی‌اش را از زمان تولد تا لحظه خروج از بدن، با سرعت و به شکلی جامع و

زنده مشاهده می‌کند. یکی از تجربه‌گران می‌گوید: «تمام زندگی‌ام به سرعت از جلوی چشمم گذشت، هر لحظه از زمان تولد تا مرگ را مشاهده خواهید کرد» (لانگ و پری، ۱۳۹۸، صص. ۱۹-۱۸).

در این تجربه، نه تنها اعمال و رفتار فرد مشاهده می‌شود، بلکه احساسات و افکار او نیز با جزئیات قابل رؤیت است. تجربه‌گران تأثیر اعمالشان بر دیگران و بازتاب آن‌ها را می‌بینند به همین دلیل پس از تجربه، تغییرات عمیقی را در دیدگاه‌ها و سبک زندگی خود ایجاد می‌کنند. یکی از تجربه‌گران بیان می‌کند: «می‌توانستم احساسات و افکار کسانی را که در زندگی‌ام حضور داشتند، تجربه کنم، این تجربه درکی عینی از تأثیرات اعمالم بر دیگران و درد و لذتی که برای آن‌ها ایجاد کرده بودم، به من داد» (هلدن، ۱۳۹۷، ص. ۶۰). در عرفان اسلامی نیز، سالک آنچه را که انسان‌ها پس از مرگ مشاهده می‌کنند، در مکاشفات خود تجربه می‌کند. عالم مثال، که میان عقول و ماده واقع شده، می‌تواند معانی را تجسم و تشخیص بخشد؛ در نتیجه حقایق اعمال، افکار، و نیات که پیش‌تر نیز با عمل همراه بوده‌اند، در آن عالم به تصویر درمی‌آیند. از آنجایی که جزئی‌ترین و کلی‌ترین اعمال گذشته و آینده در این عالم لطیف و نورانی ثبت و ضبط می‌شود (سهروردی، ۱۳۷۳، ج ۲، ص. ۲۴۲) برای سالک الهی الله یقین حاصل می‌شود که اعمال او از بین نمی‌روند، و همین امر او را به مجاهده و مراقبه بیشتر وامی‌دارد.

۶-۴. بازگشت با اکراه

به گفته ریموند مودی، همه افرادی که تجربه نزدیک به مرگ را داشته‌اند، در نقطه‌ای از این سفر ناگزیر به بازگشت به دنیای خاکی بودند (مودی، ۱۳۶۳، ص. ۸۲). بسیاری از آن‌ها از احساس اکراه و عدم تمایل به بازگشت سخن گفته‌اند و در برخی موارد، حتی مقاومت در برابر این بازگشت مشاهده شده است، به‌ویژه در کسانی که مدت طولانی با موجودات نورانی در ارتباط بوده‌اند. یکی از تجربه‌گران می‌گوید: «واقعاً ناراحت بودم که نمی‌توانستم بمانم. هیچ چیز بیشتر از این نمی‌خواستم که بمانم. عشق محض، بهترین توصیف برای مکانی است که ترکشان می‌کردم» (لانگ و پری، ۱۳۹۸، ص. ۲۱).

عطار در «الهی‌نامه» به زیبایی این حالت دل‌شکستگی و نارضایتی کسانی را که به مرگ اختیاری نائل شده‌اند، بیان می‌کند:

اگر پیش از اجل یک دم بمیری
اگر آگه شوی ای مرد مهجور
ز حسرت داغ بر پهلو نهی تو
در آن یک دم همه عالم بگیری
که از نزد که ماندی این چنین دور
سر تشویش بر زانو نهی تو

(عطار، ۱۳۹۲، ص. ۱۶۷)

عرفا روح را به پرنده‌ای تشبیه کرده‌اند که در قفس تن و عالم محسوسات اسیر است و همواره در آرزوی بازگشت به موطن اصلی خود می‌باشد، در دیوان امام خمینی این مطلب آورده شده است:

مرغ دل پر می‌زند تا زین قفس بیرون شود
جان به جان آمد توانش تا دمی مجنون شود

(امام خمینی، ۱۳۷۴، ص. ۱۱۳)

وقتی سالک از راه ریاضت و تزکیه به بیداری می‌رسد، با کنار رفتن حجاب‌ها، حقیقت وجود خود را به یاد می‌آورد. در نتیجه، دنیا برای او غریب و بیگانه جلوه می‌کند و مشتاقانه در پی بازگشت به موطن حقیقی و ملکوتی خویش می‌شود.

نتیجه‌گیری

تحلیل عرفانی مؤلفه‌های تجربه‌های نزدیک به مرگ نشان می‌دهد که این پدیده‌ها از جمله تجربه‌هایی هستند که ظرفیت‌های پنهان انسان را در شرایط خاص و بحرانی آشکار می‌سازند. این تجربه‌ها با عبور از مرزهای ادراک حسی و ورود به ساحت‌هایی فراتر از ماده، نشان می‌دهند که حقیقت انسان بسیار پیچیده‌تر از آن چیزی است که در نگاه صرفاً مادی به وجود انسان تصور می‌شود. از دیدگاه امام خمینی، شناخت انسان در حد بُعد مادی، نازل‌ترین نوع شناخت است. ایشان تأکید دارند که پس از خروج از بدن مادی، انسان با بدن مثالی خود مواجه می‌شود، بدنی که نه تنها تمامی ادراکات بدن مادی را داراست، بلکه به دلیل برتری مرتبه مثالی بر ماده، این ادراکات به مراتب وسیع‌تر، عمیق‌تر و شدیدتر می‌شوند.

گزارش‌های تجربه‌گران نیز این مفاهیم را تأیید می‌کند؛ بسیاری از آنان دید ۳۶۰ درجه، تکلم بدون استفاده از دهان، و دیگر پدیده‌های خارق‌العاده را گزارش کرده‌اند. درحالی‌که این ویژگی‌ها در نگاه متعارف غیرممکن به نظر می‌رسند، در چارچوب عرفان اسلامی، به‌عنوان شاخصه‌های بدن مثالی و عالم مثال قابل تفسیرند.

با وجود این شباهت‌ها، تجربه‌های نزدیک به مرگ را نمی‌توان به‌طور کامل معادل با تجارب عرفانی دانست . تفاوت‌های بنیادینی میان آن‌ها وجود دارد که درک آن‌ها برای تحلیل صحیح این پدیده‌ها ضروری است . چنانچه این تفاوت‌ها نادیده گرفته شوند، تفسیر تجربه‌های NDE از منظر عرفانی دچار کاستی خواهد شد. این تفاوت‌ها را می‌توان در چهار بُعد اصلی دسته‌بندی کرد:

ابعاد مقایسه	NDE	تجربه عرفانی
نحوه وقوع	کاملاً ناگهانی، غیرارادی، معمولاً در شرایط بحران جسمانی مانند ایست قلبی، تصادف، یا بیهوشی عمیق رخ می‌دهد.	غالباً ارادی، نتیجه سیر و سلوک، تهذیب نفس و مجاهدات روحی، به‌صورت تدریجی و با هدایت شیخ یا پیر حاصل می‌شود.
نوع تجربه گر	برای همه افراد، صرف‌نظر از پیشینه دینی یا سطح معنوی ممکن است رخ دهد (افراد ملحد و دین‌دار هر دو تجارب مشابهی گزارش کرده‌اند).	مختص اولیای الله و سالکانی که خود را از کدورت‌ها و تعلقات نفسانی دور کرده‌اند.
هدف	غالباً ناشناخته و غیرقابل پیش‌بینی، بیشتر تجربه‌گران نمی‌دانند چرا این تجربه برایشان رخ داده است.	عبور از حجاب‌های ظلمانی و نورانی و وصول به محبوب حقیقی و قرب الهی.
عمق و مرتبه تجربه	مشاهده ابتدایی حقایق مثالی که حاصل جدایی نفس و جسم و رهایی آن از محدودیت‌های عالم طبیعت است.	عمیق و دارای سلسله‌مراتب، از کشف صوری تا مکاشفات معنوی عالم ملکوت و جبروت و فراتر از آن، تحت کنترل سالک و در چارچوب نظام‌های سلوکی.

در نهایت، می‌توان گفت تجربه‌های فرامادی - چه به‌صورت ناگهانی و غیرارادی، و چه از طریق مجاهدت‌های معنوی حاصل شده باشند - جلوه‌هایی از عظمت و پیچیدگی وجود انسان هستند. این تجربه‌ها پرده از ظرفیت‌های روحانی انسان برمی‌دارند و نشان می‌دهند که حقیقت انسان فراتر از عالم مادی است

و توانایی ارتباط با عوالم ملکوتی را دارد؛ و انسان با رهایی از قیود عالم طبیعت می‌تواند حقایقی را شهود کند که برای دیگران تنها پس از پایان حیات دنیوی ممکن خواهد بود.

منابع

- آشتیانی، جلال‌الدین. (۱۳۷۰). شرح مقدمه قیصری بر فصوص الحکم. تهران: امیر کبیر.
- ابن عربی، ابو عبدالله محیی‌الدین. (۱۳۹۱). الفتوحات المکیه. تحقیق: عثمان یحیی. ترجمه: محمد خواجویی. تهران: مولی.
- ابن عربی، ابو عبدالله محیی‌الدین. (۱۳۶۷ه.ق). مجموعه رسائل، بیروت - لبنان: دار احیاء التراث العربی.
- اردبیلی، سید عبدالغنی. (۱۳۹۲). تقریرات فلسفه امام خمینی. تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.
- الشیرازی، صدرالدین محمد. (۱۹۸۱). الحکمه المتعالیه فی الاسفار الاربعه (ج ۳). بیروت: دار احیاء التراث.
- امام خمینی، روح‌الله. (۱۴۱۰ق). تعلیقات علی شرح فصوص الحکم و مصباح الانس. قم: پاسدار اسلام.
- امام خمینی، روح‌الله. (۱۳۹۴). شرح چهل حدیث. تهران: موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.
- امام خمینی، روح‌الله. (۱۳۷۴). دیوان امام خمینی: سروده‌های حضرت امام خمینی (س). تهران: موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.
- امام خمینی، روح‌الله. (۱۳۸۸). آداب الصلاه. تهران: موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.
- امام خمینی، روح‌الله. (۱۳۹۷). سرالصلاه: معراج السالکین و صلاه العارفین. تهران: موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.
- امام خمینی، روح‌الله. (۱۳۷۹). صحیفه امام خمینی: مجموعه آثار امام خمینی (س) (بیانات، پیام‌ها، مصاحبه‌ها، احکام، اجازات شرعی و نامه‌ها). تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.
- پرنیا، سام. (۱۳۹۷). وقتی می‌میریم چه می‌شود؟ (تحقیقی راهگشا در ماهیت زندگی و مرگ). ترجمه: شهرزاد فتوحی. تهران: جیحون.
- پورنامداریان، تقی. (۱۴۰۲). رمز و داستان‌های رمزی در ادب فارسی. تهران: علمی و فرهنگی.
- تالبوت، مایکل. (۱۳۹۹). جهان هولوگرافیک: نظریه‌ای برای توضیح توانایی‌های فراطبیعی ذهن و اسرار ناشناخته مغز و جسم. ترجمه: داریوش مهرجویی. تهران: هرمس.
- جندی، مؤیدالدین. (۱۳۶۲). نفخه الروح و تحفه الفتوح. تصحیح: مایل هروی. تهران: انتشارات خوشه.

- حسینی طهرانی، سیدمحمدحسین. (۱۳۸۰). معادشناسی. مشهد: علامه طباطبایی.
- حسینی زاده، مائده سادات و صادقی علی آبادی، مسعود. (۱۴۰۲). امام خمینی و رویکردهای سه‌گانه به مسائل پی‌رامون مرگ. پژوهشنامه متین، ۲۵(۹۸)، ۲۷-۵۴. doi: 10.22034/matin.2023.172015.1369
- رازی، نجم‌الدین. (۱۳۸۷). مرصادالعباد. تصحیح: دکتر ریاحی. چاپ سیزدهم. تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.
- سنایی غزنوی، ابوالمجد مجدود بن آدم. (۱۳۴۸). مثنوی‌های حکیم سنائی، تصحیح و مقدمه از محمد تقی مدرس رضوی. تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- سهروردی، شهاب‌الدین یحیی. (۱۳۷۳). مجموعه مصنفات شیخ اشراق (ج ۳). مقدمه و تحلیل: هانری کربن. تصحیح و تحشیه: سید حسین نصر. تهران: مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی.
- شجاعی، محمد. (۱۳۹۰). مجموعه مقالات. تهران: سروش.
- طباطبایی، فاطمه و فقهی نجف آبادی، اکرم. (۱۳۹۸). مرگ، قیامت و امور آخرتی در آثار عرفانی امام خمینی (س). پژوهشنامه متین، ۲۱(۸۲)، ۸۳-۱۰۳. doi: 20.1001.1.24236462.1398.21.82.5.7
- عطار نیشابوری، فریدالدین. (۱۳۹۲). الهی‌نامه، مقدمه، تصحیح و تعلیق محمدرضا شفیعی کدکنی، تهران: انتشارات سخن.
- عین القضاة، عبدالله بن محمد. (۱۳۴۱). تمهیدات، با مقدمه و تصحیح عقیف عسیران. تهران: منوچهری.
- کاشانی، عزالدین محمود. (۱۳۹۴). مصباح‌الهدایه و مفتاح‌الکفایه؛ تصحیح جلال‌الدین همایی. تهران: نشر هما.
- کربن، هانری. (۱۳۸۴). روابط حکمت اشراق و فلسفه ایران باستان. ترجمه: عبدالمحمد روح بخشان. تهران: اساطیر.
- لانگ، جفری، پل، پری. (۱۳۹۸). شواهدی بر زندگی پس از مرگ: علم تجربه‌ی نزدیک مرگ. ترجمه: زهره زاهدی. تهران: پندار تابان.
- لاهیجی، شمس‌الدین محمد. (۱۳۸۱). مفاتیح‌الاعجاز فی شرح گلشن راز، تصحیح محمدرضا برزگر خالقی. تهران: زوار.
- مودی، ریموند. (۱۳۶۳). بازگشت به زندگی. ترجمه: فرخ سیف بهزاد. تهران: فاریاب.
- مورس، ملوین. (۱۳۸۰). ادراکات لحظات مرگ. ترجمه: رضا جمالیان. تهران: اطلاعات.
- میرداماد، میرمحمدباقر. (۱۳۸۰). جذوات و مواقیت. تهران: مرکز نشر میراث مکتوب.
- میلز، روی. (۱۴۰۱). در آغوش نور ۳: خاطرات روح: زمین سرای اصلی ما نیست، ترجمه: فریده مهدوی دامغانی. تهران: تیر.

- نجم‌الدین کبری، احمد بن عمر. (۱۴۰۳). روایح معنوی: ترجمه کتاب فوائح الجمال و فواتح الجلال. ترجمه: کاظم محمدی. کرج: نجم کبری.
- نراقی، احمد بن محمد مهدی. (۱۳۸۹). معراج السعادة. قم: هجرت.
- نسفی، عزیز الدین بن محمد. (۱۳۷۷). تصحیح: ماریژان موله و هانری کربن، ترجمه: دکتر سیدضیاءالدین دهشیری. تهران: طهوری.
- هجویری، ابوالحسن علی. (۱۳۵۸). کشف المحجوب. تصحیح: ژوکوفسکی. تهران: طهوری.
- هلدن، جنیس. (۱۳۹۷). مرگ پایان هوشیاری نیست. ترجمه: مهناز وکیلی، علی نقی قاسمیان نژاد. تهران: راز نهان.
- یزدان پناه، سید یدالله. (۱۳۹۷). مبانی و اصول عرفان نظری، نگارش عطا الله انزلی. قم: زمزم.
- Corbin, H. (1994). *The Man of Light in Iranian Sufism*. Translated from French by Nancy Pearson. New Lebanon, NY: Omega Publications.
- Eadie, B. J. (1981). *Embraced By The Light*. Placerville, CA: Gold Leaf Press.
- Fox, M. (2003). *Through the Valley of the Shadow of Death: Religion, Spirituality and the Near-Death Experience*. London: Routledge.
- Greyson, B. (2006). Religiosity and spirituality before the near-death experience. *Zygon: Journal of Religion & Science*, 41(2)
- Loseu, S., J. M. H., and L. K. (2013). "The field of near-death studies through 2011: An updated analysis of the scholarly periodical literature." *Journal of Near-Death Studies* (4)31.
- Van Lommel, P. (2010). *Consciousness Beyond Life: The Science of the Near-Death Experience*. Harper One.

References

- Ashtiani, J. (1991). *Sharh-e Moqaddame-ye Qaysari bar Fusus al-Hikam* [Commentary on Qaysari's Introduction to Fusus al-Hikam]. Tehran: Amir Kabir. [In Persian]
- Ibn Arabi, M. (2012). *Al-Futuhat al-Makkiyyah* (Trans. M. Khajavi). Tehran: Mola Publications. [In Persian]
- Ardabili, S. A. (2013). *Taqrirat-e Falsafeh-ye Imam Khomeini* [Philosophical Notes of Imam Khomeini]. Tehran: Institute for Compilation and Publication of Imam Khomeini's Works. [In Persian]
- Shirazi, Sadr al-Din Muhammad. (1981). *Al-Hikmah al-Muta'aliyah fi al-Asfar al-Arba'ah*. Beirut: Dar Ihya al-Turath. [In Arabic]
- Imam Khomeini, R. (1990). *Ta'liqat 'ala Sharh Fusus al-Hikam wa Misbah al-Uns*. Qom: Pasdar-e Islam. [In Arabic]

- Imam Khomeini, R. (2015). *Sharh-e Chehel Hadith* [Commentary on Forty Hadiths]. Tehran: Institute for Compilation and Publication of Imam Khomeini's Works. [In Persian]
- Imam Khomeini, R. (1995). *Divan-e Imam Khomeini* [Poetic Works of Imam Khomeini]. Tehran: Institute for Compilation and Publication of Imam Khomeini's Works. [In Persian]
- Imam Khomeini, R. (2009). *Adab al-Salat* [Etiquette of Prayer]. Tehran: Institute for Compilation and Publication of Imam Khomeini's Works. [In Persian]
- Imam Khomeini, R. (2018). *Sirr al-Salat: Mi'raj al-Salikin wa Salat al-'Arifin*. Tehran: Institute for Compilation and Publication of Imam Khomeini's Works. [In Persian]
- Imam Khomeini, R. (2000). *Sahifeh-ye Imam Khomeini* [Collected Works of Imam Khomeini], Vol. 8. Tehran: Institute for Compilation and Publication of Imam Khomeini's Works. [In Persian]
- Parnia, S. (2018). What Happens When We Die? A Groundbreaking Investigation into the Nature of Life and Death. Translated by Shahrzad Fotouhi. Tehran: Jeihoun. [In Persian]
- Pournamdarian, T. (2023). Symbol and Allegorical Stories in Persian Literature. Tehran: Elmi va Farhangi. [In Persian]
- Talbot, M. (2020). The Holographic Universe: A Theory for Explaining the Paranormal Abilities of the Mind and the Unknown Mysteries of the Brain and Body. Translated by Dariush Mehrjui. Tehran: Hermes. [In Persian]
- Jandi, M. al-D. (1983). *Nafkhat al-Ruh wa Tuhfat al-Futuh*. Edited by Mayel Heravi. Tehran: Khosheh Publications. [In Persian]
- Hosseini Tehrani, S. M. H. (2001). *Ma'ad Shenasi (Eschatology)*. Mashhad: Allameh Tabatabai Institute. [In Persian]
- Hosseinizadeh, M. S., & Sadeghi Aliabadi, M. (2023). "Imam Khomeini and the Threefold Approaches to Issues Surrounding Death." *Matin Research Journal*, 25(98), 27–54. <https://doi.org/10.22034/matin.2023.172015.1369> [In Persian]
- Razi, Najm al-Din. (2008). *Mersad al-'Ebad*. Edited by Dr. Riahi. 13th Edition. Tehran: Elmi va Farhangi. [In Persian]
- Sanai Ghaznavi, A. M. M. b. Adam. (1969). *Masnavis of Hakim Sanai*, edited with an introduction by Mohammad Taqi Modarres Razavi. Tehran: University of Tehran Press. [In Persian]
- Suhrawardi, S. Y. (1994). *Collected Works of Shaykh al-Ishraq*, Vol. 3. Introduction and analysis by Henry Corbin, edited and annotated by S. Hossein Nasr. Tehran: Institute for Cultural Studies and Research. [In Persian]

- Shojaei, M. (2011). *Collected Articles*. Tehran: Soroush. [In Persian]
- Tabatabaei, F., & Faqih Najafabadi, A. (2019). "Death, Resurrection, and Eschatological Matters in the Mystical Works of Imam Khomeini." *Matin Research Journal*, 21(82), 83–103. <https://dor.gov.ir/article/20.1001.1.24236462.1398.21.82.5.7> [In Persian]
- Attar of Nishapur, F. (2013). *Ilahi-Nama (Divine Book)*. Edited and annotated by Mohammadreza Shafiei Kadkani. Tehran: Sokhan. [In Persian]
- Ayn al-Qudat, A. b. Muhammad. (1962). *Tamhidat*. With introduction and editing by Afif Asiran. Tehran: Manouchehri. [In Persian]
- Kashani, 'Izz al-Din M. (2015). *Misbah al-Hidayah wa Miftah al-Kifayah*. Edited by Jalal al-Din Homai. Tehran: Homa Publications. [In Persian]
- Corbin, H. (2005). *The Relations of Illuminationist Philosophy and Ancient Iranian Thought*. Translated by Abdol Mohammad Roohbakhshan. Tehran: Asatir. [In Persian]
- Long, J., & Perry, P. (2019). *Evidence of the Afterlife: The Science of Near-Death Experiences*. Translated by Zohreh Zahedi. Tehran: Pendar Taban. [In Persian]
- Lahiji, Sh. M. (2002). *Mafatih al-I'jaz fi Sharh Golshan-e Raz*. Edited by Mohammadreza Barzegar Khaleqi. Tehran: Zavar. [In Persian]
- Moody, R. (1984). *Life After Life* (Trans. F. Seif Behzad). Tehran: Faryab. [In Persian]
- Morse, M. (2001). *Closeness to Death Perceptions* (Trans. R. Jamalian). Tehran: Ettelaat Publications. [In Persian]
- Mirdamad, Mir Mohammad Baqer. (2001). *Jazawat wa Mawaqeeet*. Tehran: Center for the Publication of Heritage Texts. [In Persian]
- Mills, Roy. (2022). *In the Arms of the Light 3: Memories of the Soul – Earth is Not Our Real Home*, trans. by Farideh Mahdavi Damghani. Tehran: Tir Publications. [In Persian]
- Najm al-Din Kubra, Ahmad ibn Umar. (2024). *Spiritual Fragrances: A Translation of Fawa'ih al-Jamal wa Fawatih al-Jalal*, trans. by Kazem Mohammadi. Karaj: Najm Kubra Publications. [In Persian]
- Naraq, Ahmad ibn Muhammad Mahdi. (2010). *Mi'raj al-Sa'ada* [In Persian]. Qom: Hijrat Publishing.
- Nasafi, 'Aziz al-Din ibn Muhammad. (1998). Ed. by Henry Corbin & Marie-Jean Mole, trans. by Seyyed Ziauddin Dehshiri. *Collected Works*. Tehran: Tahoori Publishing. [In Persian]

- Hujwiri, Abul Hasan Ali. (1979). *Kashf al-Mahjub*, ed. by Zukovsky. Tehran: Tahoori Publishing. [In Persian]
- Holden, Janice. (2018). *Death Is Not the End of Consciousness*, trans. by Mahnaz Vakili & Ali Naqi Ghasemian-Nejad. Tehran: Raz-e Nahan Publications. [In Persian]
- Yazdanpanah, Seyyed Yadollah. (2018). *Foundations and Principles of Theoretical Mysticism*, written by Ataollah Anzali. Qom: Zamzam Publications. [In Persian]

فایز استادی نشسته